مطالعات تاریخ اسلام
سال پانزدهم، شمارهٔ ۵۹، زمستان ۱۴۰۲، مقالهٔ علمی- پژوهشی، صفحات ۵۹-۸۳

المتوکل علی‌الله احمدبن سلیمان
احیاگر و آغازگر دورهٔ دوم حکومت زیدیهٔ یمن (حک: ۵۳۲-۵۶۶ق)

محمدتقی سازندگی[۱]

چکیده: المتوکل علی‌الله احمدبن سلیمان (متوفای ۵۶۶ق) پس از افول حکومت فاطمیان مصر و حکومت صُلیحیان اسماعیلی، در سال ۵۳۲ در یمن قیام کرد و توانست بر مناطق شمالی مستولی گردد و زیدیه را که به مدت یک قرن در فترت و انزوای سیاسی بودند، دوباره احیا کند و با تکاپوی سیاسی و فرهنگی، به عنوان آغازگر دورهٔ دوم شناخته شود. سؤال این است که المتوکل چگونه توانست در عرصهٔ سیاسی و فرهنگی به زیدیه جانی دوباره ببخشد؟ نگارندهٔ مقالهٔ حاضر کوشیده است با شناخت عوامل و موانع پیشرفت متوکل، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع تاریخی کتابخانه‌ای، نقش قدرت سیاسی و فرهنگی المتوکل را ارزیابی کند. حمایت المتوکل از علمای زیدیه، برقراری صلح میان قبایل و همچنین احیای حدود و احکام الهی، از جمله تلاش‌های المتوکل است. این نتیجه حاصل شد که با وجود فعالیت حسینیه و مطرفیه، به دلیل عدم انسجام زیدیهٔ صعده و صنعا، تعصبات قبیله‌ای، پراکندگی یاران و رقابت میان حاکمان محلی، المتوکل با اقتدار توانست مناطق شمالی یمن را متحد کند.

واژه‌های کلیدی: المتوکل احمدبن سلیمان، زیدیه، مطرفیه، حسینیه، یمن

شناسه دیجیتال (DOI): 10.61186/pte.15.59.3

۱ دکترای تخصصی تاریخ و تمدن اسلامی mt.sazandegi92@gmail.com
https://orcid.org/0000-0002-3050-8329

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 15, No 59, Winter 2024
Research Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 59-83

Al-Mutawakkil `Ala Allah Ahmad bin Sulayman
The Reviver and Initiator of the Second Era of Zaydi Rule in Yemen
(Reign: 532-566 AH)

Mohammad Taqi Sazandegi[1]

Abstract: After the decline of the Fatimid dynasty in Egypt and the Sulayhid Ismaili rule, Al-Mutawakkil `Ala Allah Ahmad bin Sulayman (d. 566 AH) revolted in Yemen in the year 532 AH and managed to control the northern regions of the country. He revived Zaydism, which had been in a state of political isolation and stagnation for a century, and is known as the initiator of the second era through his political and cultural endeavors. The question is how did Al-Mutawakkil manage to revive Zaydism in the political and cultural spheres? This paper aims to evaluate the role of Al-Mutawakkil's political and cultural power by identifying the factors and obstacles to his progress, using a descriptive-analytical approach and relying on library historical resources. Some of Al-Mutawakkil's efforts include supporting Zaydi scholars, establishing peace among tribes, and reviving religious limits and rulings. It is concluded that despite the activities of the Husayniyya and the Mutrafiyah, due to the lack of solidarity among Zaydis of Sa'dah and Sana'a, tribal prejudices, the dispersion of their supporters, and the rivalry among local rulers, Al-Mutawakkil was able to authoritatively unite the northern regions of Yemen.

Keywords: Al-Mutawakkil Ahmad bin Sulayman, Zaydism, Mutrafiyah, Husayniyya, Yemen.

DOI: 10.61186/pte.15.59.3
1 Ph.D. in Islamic History and Civilization. mt.sazandegi92@gmail.com
https://orcid.org/0000-0002-3050-8329
Date Received: 2023/09/05 Date Approved: 2024/02/03

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

مقدمه

در سال ۴۴۴ق. با کشته شدن امام زیدیه «ابوالفتح دیلمی» توسط علی‌بن محمد صُلَیحی (متوفای ۴۵۸ق)، سلسلهٔ امامان زیدیه متوقف شد و حکومت زیدیه در یمن به مدت یک قرن دچار فترت و انزوای سیاسی گردید و رو به افول گرایید؛ تا اینکه در سال ۵۳۲ق. المتوکل علی‌الله احمدبن سلیمان (متوفای۵۶۶ق) دعوتش را آغاز کرد. وضعیت اجتماعی و سیاسی قبایل و حکومت‌های محلی در دورهٔ قیام المتوکل نابسامان بود و هر یک در تلاش برای تشکیل حکومت و گسترش قلمرو خود بودند. بنی‌حاتم در صنعا به رهبری سلطان حاتم‌بن احمد (متوفای ۵۷۰ق)، بنی‌مهدی در تهامَه به فرمانروایی علی‌بن مهدی الحمیری (متوفای ۵۵۴ق)، بنی‌نجاح در زَبید به ریاست الفاتَک سوم (متوفای ۵۵۳ق) و بنی‌زریع در عدن به فرمانروایی محمدبن سبأ دارای منصب سلطنت بودند و فعالیت سیاسی داشتند. در بُعد فرهنگی نیز به علت ناهمگونی و ظهور گروه‌هایی چون حسینیه، مُطَرفیه و اسماعیلیه، بر چالش‌ها و مشکلات فرهنگی افزوده می‌شد. در چنین شرایطی، شناخت المتوکل و چگونگی فعالیت‌های وی برای احیای زیدیه ضروری می‌نماید. متوکل توانست زیدیه را از انزوای سیاسی بیرون بیاورد و بعد از فترت صدساله، جانی دوباره به زیدیه ببخشد و به عنوان احیاگر زیدیه، دورهٔ دوم حکومت زیدیه (۵۳۲–۹۶۵ق) در یمن را آغاز کند و با تکاپوی سیاسی و نظامی، دامنهٔ قلمرو خویش را گسترش دهد و بر مناطق شمال یمن مستولی گردد و تا حدودی به دوران قدرت و شوکت و جلال زیدیه بازگردد. نگارندهٔ این مقاله با رویکرد توصیفی- تحلیلی و استفاده از منابع کهن و دسته اول تاریخی، در پی آن است تا نقش مهم المتوکل در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی را تبیین کند.

پس از تحقیق دربارهٔ این موضوع، دریافتیم که فقط در کتاب *سیرة الامام متوکل علی‌الله احمدبن سلیمان*[1] به شرح احوال و زندگی او پرداخته شده است و در میان منابع معاصر کتاب یا مقالهٔ مستقلی دربارهٔ فعالیت‌های متوکل یافت نشد. فقط در برخی پژوهش‌ها با اشاره‌ای کوتاه و گذرا نامی از المتوکل علی‌الله به میان آمده است. تفاوت این تحقیق آن است که به‌طور خاص نقش فعالیت‌های المتوکل در عرصهٔ فرهنگ و سیاست مورد واکاوی قرار گرفته است.

---

۱ سلیمان‌بن یحیی ثقفی (۲۰۰۲)، *سیرة الامام متوکل علی‌الله احمدبن سلیمان*، تحقیق عبدالغنی محمد عبدالعاطی، [بی‌جا]: عین الدراسات و بحوث الانسانیة.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

۱. زندگینامه

المتوکل علی‌الله احمدبن سلیمان[۱] از نوادگان الهادی إلی الحق (متوفای ۲۹۸ق) در سال ۵۰۰ ق. در خاندانی علوی در نواحی حوث[۲] دیده به جهان گشود (ثقفی، ۲۰۰۲: ۱۰–۱۲). در منابع زیدی از وی تعریف و تمجید شده و او را شاعری فصیح، خطیبی بلیغ، خوشرفتار، فاضل و کریم خوانده‌اند (ابن‌حمزه، ۱۴۰۶: ۹۳۱/۱؛ خزرجی، ۱۴۳۰: ۳۱۱/۱). وی از کودکی شعر می‌سرود (واسعی، ۱۳۴۶: ۲۹). متوکل خود را امام بحق و امیرالمؤمنین می‌دانست (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۵۵) و هدفش این بود که با تکاپوی سیاسی، مناطق شمالی و جنوبی یمن را متحد کند و حکومت زیدیه را گسترش دهد.

۲. کوشش‌های فکری- عقیدتی

حضور فرقه‌ها و گروه‌هایی چون مطرفیه، حسینیه و اسماعیلیه آشفتگیِ اندیشه‌ها و باورهای گوناگون و فشار فزاینده را بر فضای فکری، فرهنگی و عقیدتی زیدیهٔ یمن تحمیل می‌کرد. متوکل علوم دینی را نزد عالمان زیدیه فرا گرفت و در فقه و اصول سرآمد شد (محلّی، ۱۴۲۳: ۲۱۹/۲–۲۲۲؛ ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۴۸/۲–۷۵۲، ۷۶۷). با توجه به وضعیت فرهنگی و فعالیت فرقه‌ها و مذاهب گوناگون در قرن ششم، متوکل ابتدا به مقابله با گروه‌های مخالف درون زیدیه روی آورد و از شخصیت‌های برجستهٔ زیدی کمک گرفت و با تألیف کتاب‌های متعدد و تربیت شاگردان برجسته، با آنها مبارزه کرد. در این بخش به فعالیت فکری و فرهنگی متوکل اشاره می‌شود:

۱-۲. مقابله با مطرفیه

مشاجرات کلامی و اختلافات سیاسی به ایجاد گروه‌هایی در میان زیدیه مانند مُطَرِّفیه[۳] و مُخْتَرعه[۴]

---

۱ نسب او «احمدبن سلیمان‌بن محمدبن مطهربن علی‌بن امام ناصر احمدبن امام هادی إلی‌الحق یحیی‌بن الحسین» است (ثقفی، ۲۰۰۲: ۱۱).

۲ حوث: شهری قدیمی میان خَمِر و سُفیان که مرکز قبایل حاشد بوده و دارای مساجد و مدارس علمی و موطن علما و بزرگان یمنی بوده است (مقحفی، ۱۹۸۵: ۵۲۷/۱).

۳ مهم‌ترین دیدگاه مطرفیه نگاه خاص آنان به نوع جهان‌شناسی و فلسفهٔ طبیعی و موضوعات مربوط به اعراض است. آنان معتقد بودند خداوند وقتی عناصر أربعه را خلق کرد، امور خلقت را به همان عناصر واگذارد و باقی اشیا از همان عناصر آفریده شدند و نتیجهٔ این نوع نگرش، انکار و رد توحید در ربوبیت بود (مادلونگ، ۱۳۷۵: ۲۷۵).

۴ مخترعه: این گروه متأثر از مکتب اعتزال بصره، با تفکرات مطرفیه به شدت مخالفت کردند و از اختراع اعراض در اجسام توسط خداوند متعال سخن گفتند (زید، ۱۹۹۷: ۲۶۱-۲۶۳).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

انجامید (فؤاد سید، ۱۴۰۸: ۲۴۱-۲۴۳). اندیشه‌های مطرفیه به‌تدریج از اواسط قرن پنجم آغاز شد و تا زمان متوکل به اوج قدرت رسید. این گروه در دورهٔ فترت و انزوای سیاسی زیدیه، به سرعت در حال انتشار و ترویج اندیشه و عقاید خود بودند و متوکل بر آن شد تا از گسترش آن جلوگیری کند (وجیه، ۱۴۲۰: ۲۷۸-۲۸۲). متوکل از عالمان بزرگ و پیرو مُختَرعه بود که با قدرت به مقابله با مطرفیه برخاست. او مطرفیه را تکفیر می‌کرد و آنها را بدعتی در زیدیه می‌دانست[۱] (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۶۹/۲-۷۷۴). بر همین اساس، با تألیف ردیّه‌هایی به مبارزهٔ علمی و فرهنگی پرداخت. او کتاب‌ها و رساله‌هایی با عنوان *الرسالة الصادقة فی تبیین ارتداد الفرقة المارقة فی الرد علی المطرفیة من الزیدیة* و *رسالة الهاشمة لأنف الضلال من مذاهب المطرفیة الجهال* را در ردّ مطرفیه تألیف کرد (محلّی، ۱۴۲۳: ۲۱۹/۲-۲۴۶؛ ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۴۸/۲-۷۶۸؛ زید، ۱۹۹۷: ۴۴-۶۳).

متوکل با حمایت و بهره‌مندی از عالمان زیدی، از سرعت ترویج اندیشه‌های آنان کاست. زیدبن حسن بیهقی بروقَنی[۲] (متوفای حدود ۵۵۴ق) از شاگردان حاکم بیهقی جشُمی[۳] (متوفای ۴۹۴ق) یکی از عالمان برجستهٔ زیدیه است (سبحانی، ۱۴۲۴: ۲۹۵/۲-۲۹۶) که در دوران متوکل علیه مطرفیه نقش مؤثری داشت. متوکل از او خواست با ترویج اندیشه‌های کلامی معتزله (که در میان زیدیهٔ ایران رواج داشت)، مخترعه را در مقابله با مطرفیه یاری رساند (شهاری، ۱۴۲۱: ۷۷۵/۳). بیهقی بروقنی در بلاد خولان شام ساکن شد و در صعده به مدت دو سال و نیم هر روز در مسجد الهادی به تدریس می‌پرداخت و از آثار حاکم جشُمی روایت می‌کرد و هر هفته در مورد فضایل الهادی إلی الحق و فرزندانش سخنرانی می‌کرد؛ به گونه‌ای که صحبت تکراری نداشت (شهاری، ۱۴۲۱: ۴۰۵/۱). با تکاپوی علمی او، قاضی جعفر و تعدادی از علمای مطرفیه از عقاید خود دست کشیدند (شهاری، ۱۴۲۱: ۴۴۷/۳-۴۴۸).

در عصر متوکل یک متکلم، محدّث و فقیه برجسته به نام قاضی جعفر مِسوَری (متوفای

---

۱ علی محمد زید بر این باور بود که مطرّفیه مذهبی زیدی و بومی بود که مخاطبش قبایل بودند و به مساوات میان مردم دعوت می‌کرد (زید، ۱۹۹۷: ۶۴-۱۰۴، ۲۰۱-۲۹۷).

۲ نام کامل او «تاج‌الدین زیدبن الحسن‌بن محمد فخرالدین أبوالحسین البیهقی البَرُوْقَنی» است (شهاری، ۱۴۲۱: ۱۰۳/۱). بروقن از توابع بیهق (سبزوار) خراسان است (همو، همان، ۴۴۶).

۳ نام کامل او «ابوسعید محسن‌بن محمدبن کرامه جشمی بیهقی» معروف به «حاکم جِشُمی» است (سبحانی، ۱۴۲۴: ۲۲۸/۲).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

۵۷۳ق)[۱] نقش مهمی در مقابله با مطرفیه ایفا کرد (سناعی، ۱۴۲۲: ۲۰). قاضی جعفر پیرو مذهب اسماعیلی بود و بعد از آن به زیدیه گروید و از اساتید و فقهای معتزلهٔ گیلان و دیلم که به یمن آمده بودند، اعتزال را فرا گرفت و به مطرفیه گروید. سپس تحت تأثیر تعالیم و آموزه‌های بروقنی بیهقی قرار گرفت و از مخترعه حمایت کرد (ثقفی، ۲۰۰۲: ۱۳۵؛ زید، ۱۹۹۷: ۱۳۲). متوکل در سال ۵۴۳ق. قاضی جعفر را به همراه بیهقی بروقنی به عراق فرستاد تا با کسب علوم زیدیه بتواند از مخترعه دفاع کند. او بعد از کسب علم و اجازهٔ روایت از عالمان زیدیه[۲] و جمع‌آوری آثار آنها، در سال ۵۵۴ق. به یمن بازگشت و در روستای سناع در جنوب صنعا به تدریس و مناظره و مجادله با مطرفیه پرداخت (اکوع، ۱۴۱۷: ۹۵۶/۲). گویا متوکل اموالی را در اختیار جعفر گذاشته بود تا هر آنچه می‌تواند از کتاب‌های علمای زیدیه در ایران و عراق، با خود به یمن بیاورد (سناعی، ۱۴۲۲: ۲۱) و با پشتیبانی متوکل به مقابله با مطرفیه بپردازد (شامی، ۱۴۲۶: ۵۵۲/۱؛ اکوع، ۱۴۱۷: ۹۵۶/۲). بدین ترتیب، با یاری متوکل در سناع مدرسهٔ علمی و دینی بنا کرد (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۷۱/۲) تا مذهب مخترعه را ترویج کند (سناعی، ۱۴۲۲: ۲۱؛ زید، ۱۹۷۷: ۱۳۷) اما با مخالفت جدی و شدید مطرفیه مواجه شد (سناعی، ۱۴۲۲: ۲۲). آنها درصدد تهدید و آزار و اذیت قاضی جعفر برآمدند که با دخالت و حمایت متوکل خصومت‌ها به پایان رسید (ابن‌أبی‌الرجال، ۱۴۲۵: ۳۷۸/۲؛ ثقفی، ۲۰۰۲: ۲۸۱–۲۸۲؛ ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۷۲/۲–۷۷۴). تکاپوی علمی قاضی جعفر موجب شد بسیاری از عالمان مطرفیه از افکار و عقاید خود دست بکشند و از عقاید کلامی وی پیروی کنند.

۲-۲. مقابله با حسینیه

حسینیه در قرن ششم قمری فعالیت و حضور جدی داشت و در نواحی شمالی یمن و بیشتر در بلاد «الاهنوم» و منطقهٔ «شَهاره»[۳] حکومت می‌کردند. شرایط امامت زیدیه در برخی از حسینیه

---

۱ نام کامل او «جعفربن أحمدبن أبی‌یحیی عبدالسلام ابن‌إسحاق، شمس‌الدین، التمیمی البهلولی الیمانی» معروف به قاضی جعفر مِسوَری است (سبحانی، همان، ۲۸۳).

۲ قاضی جعفر در سال ۵۵۲ق. در ری از احمدبن أبی‌الحسن کنی اجازهٔ روایت گرفت و به فراگیری کتب امامان زیدیه از جمله *الزیادات المؤید بالله* نزد او پرداخت (شهاری، ۱۴۲۱: ۲۷۴/۱) و در مکه از شمس‌الدین علی‌بن عیسی مشهور به ابن‌وهّاس (متوفای ۵۵۶ق) کتاب *جلاء الابصار* و شماری از آثار جشمی را سماع کرد و از او اجازهٔ روایت آثار زیدیه را گرفت (شهاری، ۱۴۲۱: ۲۷۵/۱، ۷۷۴/۲).

۳ شهاره: یکی از قلعه‌های نفوذناپذیر است که در شهر صنعا قرار دارد (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۵۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

وجود داشت، اما اعتقاد به باورهای مهدویت و غیبت حسین‌بن قاسم عیانی (متوفای ۴۰۴ق)، مانع اعلام امامت و قیام بود (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۱۷/۲؛ ابن‌قاسم، ۱۳۸۸: ۲۵۱/۱)؛ هرچند از دیگر امامان زیدیه که اعلام قیام می‌کردند، حمایت به عمل می‌آوردند[۱] (ابن‌قاسم، ۱۳۸۸: ۲۵۰/۱-۲۶۸). متوکل در کتاب‌های *حقائق المعرفة* (متوکل، ۱۴۲۴: ۲۹۱-۴۹۲) و *الحکمة الدُرّیة* (ربعی، ۱۴۱۳: ۳۵۳-۳۵۱) حسینیه را نقد و رد کرده و گفته بود حسینیه از زیدیه جدا شده است.[۲] متوکل معتقد بود عده‌ای از برادرزاده‌های حسین‌بن قاسم قائل به غیبت و مهدویت او می‌باشند (متوکل، ۱۴۲۴: ۴۹۳) و در کتاب *الحکمة الدُرّیة* نوشته است: «برخی اعتقاد به مهدویت حسین را اعتقاد مستقلی می‌دانند؛ چون می‌گویند حسین بر هفت اقلیم پادشاهی خواهد کرد» (ربعی، ۱۴۱۳: ۳۵۲). متوکل باور به برتری حسین‌بن قاسم نسبت به پیامبر(ص) را پوچ، باطل و جاهلانه می‌دانست و با نقد شدیدی گفته است: «آنها نمی‌فهمند که امامان از سوی پیامبر(ص) مستحق مقام والای امامت شدند و به دلیل خویشاوندی با پیامبر(ص) و آموختن علم و دانش از اوست که امام خوانده می‌شوند؛ حال چگونه حسین برتر از پیامبر(ص) شده است!؟ چگونه بر هفت اقلیم پادشاهی خواهد کرد؛ درحالی‌که پیامبر(ص) چنین نکرده است!؟» (متوکل، ۱۴۲۴: ۴۹۵-۴۹۶).

۳-۲. مقابله با اسماعیلیه

در تاریخ یمن، مناسبات زیدیه با اسماعیلیه به شدت خصمانه نشان داده شده و حضور و نفوذ اسماعیلیهٔ حافظی و طیبی یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و موانع قیام متوکل بود (واسعی، ۱۳۴۶: ۲۹). متوکل کتاب *الرسالة المتوکّلیّة فی هتک أستار الإسماعیلیّة* را به عنوان پاسخی به اسماعیلیان و انذار از فریب خوردن به فرمان آنان، در سه فصل تألیف کرد (حسینی اشکوری، ۱۴۱۳: ۳۸/۲). او در این اثر اسماعیلیه را کافر دانسته، نسب علوی بودن فاطمیان مصر را رد کرده و آنها را از نسل عبدالله‌بن میمون قداح دانسته و نوشته است: «توبهٔ اسماعیلیه قابل قبول

---

۱ در سال ۴۲۶ق. ابوهاشم حسن‌بن عبدالرحمن (متوفای ۴۳۱ق)، در سال ۴۳۷ق. ناصر ابوالفتح دیلمی (متوفای ۴۴۴ق) و در سال ۴۵۸ حمزةبن أبی‌هاشم (متوفای ۴۵۸ق) سه امام زیدی مدعی مقام امامت در یمن، در قرن پنجم بودند که حسینیه و أشراف قاسمی تا حدودی از آنها حمایت می‌کردند (ر.ک. به: ابن‌قاسم، غایة الأمانی). برای مثال در سال ۴۳۸ ابوالفتح دیلمی منصب امیرالامرایی را به جعفربن قاسم عیانی تحویل داد (ابن‌قاسم، ۱۳۸۸: ۲۴۷/۱).

۲ نشوان‌بن سعید حمیری (متوفای ۵۳۷ق) نیز در کتاب *حور العین* بر جدایی حسینیه از زیدیه تأکید و تصریح کرده است (ربعی، ۱۴۱۳: ۱۵۶).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

نیست و قتل آنها واجب است و ازدواج با آنها باطل است و نماز بر جنازهٔ آنها جایز نیست» (ثقفی، ۲۰۰۲: ۱۹۴-۱۹۳). منازعات سیاسی میان متوکل و صلیحیان اسماعیلی طیبی، بعد از درگذشت ملکه اروی در سال ۵۳۲ق. و با سقوط حکومت صلیحیان کمتر شد و پس از متوکل با سقوط حکومت فاطمیان مصر، نزاع و درگیری زیدیه با اسماعیلیان طیبیه به پایان رسید. البته همچنان پیروان حافظیه که از قبایل یام بودند (مانند همدانیان در صنعا و زریعیان در عدن)، حضور داشتند.

۳. تکاپوی سیاسی

۱-۳. حمایت از امام زیدی

در سال ۴۴۵ق. عبدالله‌بن سلیمان برادر متوکل، از حوث نامه‌ای به متوکل نوشت که فساد و فحشا زیاد شده و شخصی از بزرگان زیدیه باید برای احیای امر به معروف و نهی از منکر قیام کند. متوکل در آن زمان در جوف[۱] ساکن بود (زباره، ۱۴۱۹: ۱۳۷/۲). متوکل به شرکت در قیام علی‌بن زیدبن ابراهیم مَلیح[۲] (متوفای ۵۳۰ق) از نوادگان الهادی إلی الحق (متوفای ۲۹۸ق) اعلام آمادگی کرد تا در حمله به صنعا علیه اسماعیلیه، از وی حمایت سیاسی و نظامی کند (عرشی، ۱۳۱۸: ۳۸). علی‌بن زید با جمع‌آوری سپاهی از قبایل صعده و اطراف آن، به سوی صنعا حرکت کرد و متوکل نیز با برادران خود یحیی و عبدالله (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۴۴/۲) از جوف خارج شد. آنها توانستند یاران فراوانی از قبایل همدان، خولان، کهلان و سایر قبایل قحطان گردآوری کنند (مدنی، ۱۴۲۶: ۲۹۸/۱؛ ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۴۴/۲) و در «شَظَبْ»[۳] به یکدیگر پیوستند. متوکل به علی‌بن زید پیشنهاد داد بدون اتلاف وقت، هرچه سریع‌تر به صنعا حمله شود، اما علی‌بن زید قبول نکرد و در شظب در میان قبیلهٔ بنی‌حَجاج مدتی ساکن شد (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۹۸). او توسط قبیلهٔ بنی‌حجاج (جرافی، ۱۴۰۷: ۱۷۸) در جمادی‌الثانی سال ۵۳۱ در شظب محاصره و کشته شد (مطاع، همان، همان‌جا). در منابع زیدی آمده است که علی‌بن زید مقام علمی بالایی نداشت و

۱ جَوف: منطقه‌ای وسیع در شمال شرق صنعا به فاصلهٔ ۱۴۰ کیلومتر است (حجری، ۱۴۱۶: ۱۹۵/۱).

۲ نسب او «علی‌بن زیدبن ابراهیم‌بن المَلیح‌بن المنتصر بالله محمدبن المختاربن الناصربن الهادی إلی الحق» است (مطاع، ۱۹۸۶: ۲۹۸).

۳ شَظَب: شهری در نزدیکی سُودَة، در غرب شهر خَمِر واقع شده است (مقحفی، ۱۹۸۵: ۸۶۶/۱). همچنین مدارس علمی، دینی و قبور عالمان یمنی در آن شهر قرار دارد (حجری، ۱۴۱۶: ۴۵۲/۲).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

فقط می‌توانست قرآن بخواند، به احکام و شرعیات به‌طور کامل مسلط نبود (مدنی، ۱۴۲۶: ۲۹۸/۱) و شرایط امامت زیدیه در او محرز نشده بود (ابن‌قاسم، ۱۳۸۸: ۲۹۵/۱-۲۹۴)؛ همچنین بیشتر هدفش به دست آوردن غنایم جنگی بود و در مدیریت نظامی و فرماندهی ضعیف بود و به پیشنهاد متوکل توجهی نکرد (زید، ۱۹۹۷: ۴۲)، اما چون دست به قیام زده بود و بقیهٔ عالمان و اشراف زیدی همچون قاضی نشوان‌بن سعید الحمیری (شامی، ۱۴۲۶: ۲۲۸/۲) از وی تبعیت می‌کردند، متوکل در سپاه وی قرار گرفت و با او همراهی کرد؛ زیرا متوکل موقعیت مناسبی برای قیام نداشت (عرشی، ۱۳۱۸: ۳۸)، اما درصدد قیام بود و به آن فکر می‌کرد (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۰۳).

۲-۳. آغاز دعوت و قیام

بعد از کشته شدن علی‌بن زید، متوکل بدون هیچ دستاوردی به جوف بازگشت و شعری در مورد علی‌بن زید و یارانش سرود (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۴۶/۲) و مشغول زراعت و کشاورزی شد (شامی، ۱۴۲۶: ۴۶۶/۱)؛ تا اینکه فساد و فحشا در صعده زیاد شد و نوادگان الهادی و اشراف زیدیه نتوانستند وضعیت نابسامان اجتماعی و فرهنگی را اصلاح کنند و از متوکل درخواست کردند برای اجرای حدود الهی قیام کند (شامی، ۱۴۲۶: ۴۶۶/۱). او در سال ۵۳۱ق. درحالی‌که ۳۱ سال داشت، درصدد آماده‌سازی زمینه‌های قیام برآمد (ثقفی، ۲۰۰۲: ۱۴). با فوت ملکه اروی در سال ۵۳۲ق، صلیحیان اسماعیلی ضعیف شدند و در همان سال حاتم‌بن حماس درگذشت و بنی‌همدان در صنعا بر سر جانشینی دچار اختلاف داخلی شدند. متوکل که در درون زیدیه رقیب نداشت، بعد از قتل علی‌بن زید اقدام به قیام کرد و در سال ۵۳۲ دعوتش را علنی آغاز کرد. در جوف اعلامیه‌های دعوتش را توزیع کرد، اما کسی از وی حمایت نکرد (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۰۴). وی با تعداد اندکی از جوف به جَبل بَرَط[1] رفت. در خَیوان[2] با برادرش یحیی‌بن سلیمان ملاقات کرد و ۱۵ روز در آنجا ماند و در مخلاف **وادعَة** با برادر دیگرش عبدالله‌بن سلیمان دیدار و در مورد قیام گفت‌وگو کرد (زید، ۱۹۹۷: ۴۸). در حیدان به خولان صعده رفت و میان قبایل آنجا صلح برقرار کرد. او از قبیلهٔ **الذَهمة** پیروانی یافت (زباره، ۱۴۱۹: ۱۳۵/۲) و سپس به أملَح[3] عزیمت

۱ جبل بَرَط: کوهی معروف در شمال شرق صنعا که از همدان و بکیل در آنجا ساکن می‌باشند (حجری، ۱۴۱۶: ۱۰۷/۱).

۲ خَیوان: از شهرهای بزرگ و حاصل‌خیز همدان، حدود شش فرسخی صنعا قرار دارد و محل سکونت اشراف حاشد است (ابن‌حائک، ۱۴۰۳: ۱۴۳/۱).

۳ أملَح: وادی بزرگی که در شرق صعده واقع است. روستاها و مزارع فراوانی دارد و قبایل شاکر از بکیل همچون وائله و ←

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

کرد و به نجران[۱] رسید و در آنجا با شیخ العون‌بن **زغبة**‌بن علی‌بن الجعدی الیامی ملاقات کرد (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۰۴). شیخ گزارشی دربارهٔ رواج فساد و مشکلات و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی شهر نجران را به متوکل ارائه داد و با او بیعت کرد (ابن‌حمزه، ۱۴۰۶: ۹۳۹/۱). متوکل به ارشاد اهالی نجران پرداخت و آنها را به فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر سفارش کرد و کسانی را که شراب نوشیده بودند، تازیانه زد و خانه‌های هنجارشکنان را ویران کرد (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۱۰). سپس مردم را به قیام دعوت کرد (شامی، ۱۴۲۶: ۴۵۶/۲)، اما تعداد کمی حدود ده نفر به وی پیوستند و بقیه به دلیل خشکسالی و قحطی، از ترس حمله‌های قبایل، از مزارع و محصولات کشاورزی خود نگهبانی می‌کردند و به وی پیغام دادند تا بعد از فصل درو و برداشت محصول صبر کند (زید، ۱۹۹۷: ۴۸). یحیی‌بن سلیمان و تعدادی از همراهان به وی توصیه کردند به نزد همدانیان در جوف برود؛ به همین دلیل با حاتم‌بن سلیمان الیامی و سالم‌بن الخطر الیامی به سوی جوف حرکت کرد (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۰۴). در جوف میان قبیلهٔ بنی‌عامر صلح برقرار کرد و آنها با وی بیعت کردند. سپس به برط بازگشت و پنج روز در آنجا اقامت گزید و پس از تشکیل سپاهی، با قبایل **وادعة**، شاکر، **دهمة**، **بنومرة**، یام و جبل، به دلیل شرارت و فسادی که داشتند، جنگید و سرانجام آنها تسلیم شدند و از وی اطاعت کردند (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۰۴، ۳۱۲).

۳-۳. فتح صعده

متوکل در سال ۵۳۳ق. در اوایل فصل زمستان (محلی، ۱۴۲۳: ۲۳۲/۲) با هزار و چهارصد مرد از علما و جنگجویان قبایل و سیصد نفر از مردان شجاع زیدی از جمله قاضی اسحاق‌بن احمدبن عبدالباعث (متوفای ۵۵۵ق) به شهر صعده رسیدند[۲] (مؤیدی، ۱۴۳۸: ۲۳۱) و شهر را با وجود مقاومت اهالی، به زور تصاحب کردند و اموال فراوانی را از آنها به غنیمت گرفتند و متوکل مدتی در آنجا اقامت گزید (ابن‌حمزه، ۱۴۰۶: ۹۳۸/۱). وی از اقامت در جَبجَب[۳] به دلیل جو

→ دهمة در آنجا ساکن‌اند (حجری، ۱۴۱۶: ۹۰/۱).

۱ نَجران: ساکنان نجران از قبیله یام می‌باشند. شهر نَجران در کنار کوه عسیر واقع شده و قبایل خولان، وادعة و شاکر در آنجا ساکن می‌باشند (حجری، ۱۴۱۶: ۴/ ۷۳۴؛ حموی، ۱۳۸۰: ۵/ ۲۶۶).

۲ در برخی منابع تعداد یاران متوکل را تا بیست‌هزار جنگجوی سواره و پیاده ذکر کرده‌اند (محلی، ۱۴۲۳: ۲۳۴/۲؛ مؤیدی، ۱۴۳۸: ۲۳۱).

۳ جَبجَب: ناحیه‌ای در غرب صنعا که در نزدیکی صعده، ضُورَان، وصاب و شهر ریمه قرار دارد (حجری، ۱۴۱۶: ۱۷۷/۱، ←

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

نامناسب و شلوغ بودن آنجا کراهت داشت (ثقفی، ۲۰۰۲: ۲۶۷) و در یَرسَم[۱] هم به دلایل امنیتی و ترس از سوء قصد به خانواده‌اش، ساکن نشد (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۵۶/۲). بنابراین با همسر و فرزندانش در قلعهٔ باستانی تُلُمُّص[۲] در منطقهٔ قدیمی صعده مستقر شدند و قلعه را با گچ و آجر بازسازی کرد (ابن‌فند، همان، همان‌جا). این اقدام متوکل نشان می‌دهد که وی به مردم صعده اعتمادی نداشت و تمایل داشت به دور از مرکز شهر و شلوغی، اقامت کند تا مورد سوء قصد قرار نگیرد.

در سال ۵۳۲ق. ملکه اروی در ذی‌جلبه[۳] درگذشت و حکومت صلیحیان ضعیف شد. سلطان حاتم به متوکل پیشنهاد عجیبی داد مبنی بر اینکه با توجه به ضعف صلیحیان اسماعیلی، با یکدیگر صلح کنند و برای تصرف مناطق جنوبی یمن، متحد شوند و قلمرو خود را گسترش دهند و متوکل به عنوان فرمانده به سوی مناطق جنوبی حرکت کند (زید، ۱۹۹۷: ۴۹) اما متوکل به دو دلیل به این پیشنهاد جواب رد داد. نخست اینکه متوکل نمی‌توانست به سلطان حاتم و همدانیان صنعا که پیرو اسماعیلیهٔ حافظی بودند، اعتماد کند و چه‌بسا این نقشه و تدبیری از سوی حاتم بود تا متوکل را از صنعا دور کند و همهٔ توان و نیرویش مشغول جنگ در مناطق جنوبی شود. دوم اینکه متوکل در مقام و موقعیتی نبود که بتواند قبایل پراکندهٔ شمال را متحد کند؛ زیرا کنترل و نفوذ بر قبایل یمنی کار سخت و دشواری بود و نمی‌توانست به آنها اعتماد کند و ضمانتی نبود که از دور او پراکنده نشوند. علاوه بر آن، تعداد یارانی هم که داشت، به دلیل کمبود آذوقه و غذا از او فاصله گرفته بودند (زید، ۱۹۹۷: ۵۰)؛ در نتیجه جواب مثبت به حاتم نداد.

۴-۳. فتح صنعا

در سال ۵۴۵ق. در یک اجتماع هزارنفره، اشراف و بزرگان زیدیه، متوکل را به عنوان امام تأیید کردند و تصمیم گرفتند با وی بیعت کنند و هیئتی از بزرگان و عالمان قبایل را به ملاقات

→ ۳۷۷/۲، ۵۵۴/۳).

۱ یَرسم: منطقه‌ای که در جنوب غربی صعده قرار دارد (مقحفی، ۱۹۸۵: ۴۷۱/۲).

۲ تُلُمُّص: قلعهٔ بزرگ باستانی که در زمان جاهلیت به آن جماع گفته می‌شد. بر فراز کوه مرتفع و مشرف به شهر صعده ساخته شده بود و رودخانه‌ها و نهرهای زیادی به آن سرازیر می‌شد. در زمان جاهلیت نوال‌بن عتیک نازع الاکتاف و سیف‌بن ذی یزن الحمیری در آنجا ساکن بودند (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۵۶/۲).

۳ ذی‌جبله: یکی از زیباترین شهرهای یمن که در جنوب إب واقع است. در آن دو رودخانه در همهٔ فصول سال جاری است. نقشهٔ شهری آن در سال ۴۵۸ق. توسط عبدالله‌بن محمد طراحی شد. بعد از علی صلیحی، ملکه سیده اروی در این شهر زندگی می‌کرد و به دارالعز معروف گردید (ابن‌مجاور، ۱۹۹۶: ۶۵/۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

متوکل فرستادند (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۱۹؛ مدنی، ۱۴۲۶: ۳۰۱/۱). متوکل پس از تثبیت موقعیت در صعده، به سوی صنعا پیشروی کرد و قاضی نشوان‌بن سعید حمیری[۱] (متوفای ۵۷۳ق) مؤلف کتاب *الحور العین*، با وی بیعت کرد و از او مکرر خواست تا به مناطق شمالی بسنده نکند و جنوب یمن را نیز تصرف کند (شامی، ۱۴۲۶: ۴۵۶/۲). در فتح صنعا علاوه بر قاضی نشوان حمیری، افرادی چون قاضی جعفر و شیخ اسحاق‌بن عبدالباعث الداوری که از بزرگان و علمای زیدیه بودند، او را همراهی کردند (جرافی، ۱۴۰۷: ۱۷۹). متوکل در این سال جعفربن احمدبن عبدالسلام را به عنوان قاضی و خطیب صنعا منصوب کرد (ثقفی، ۲۰۰۲: ۲۸۲–۲۸۱). این انتصاب نشان می‌دهد که متوکل و قاضی جعفر با یکدیگر متحد شده بودند (شامی، ۱۴۲۶: ۲۲۷/۲) و روابط میان آنان تنگاتنگ بود (زید، ۱۹۹۷: ۱۳۲).

حاکم صنعا حاتم‌بن احمد، از طرفداران کیش اسماعیلیهٔ حافظی بود و توانست حکومت خود را چنان گسترش دهد که در دوره‌های قبل از او سابقه نداشته است. وی نبردها و درگیری‌های خونین متعددی با متوکل داشت که تا یک دهه به طول انجامید؛ تا جایی که قدرت و نیروی انسانی و نظامی هر دو طرف به تحلیل رفت و از نبردهای پی‌درپی خسته شدند. سلطان حاتم با حمایت قبایل بکیل و بنی‌شهاب (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۲۱) با او جنگید، اما شکست خورد و متوکل مقتدرانه صنعا را به تصرف درآورد و قصر حاتم را تخریب کرد (عرشی، ۱۳۱۸: ۳۸) و بسیاری از اهالی به سوی نجران فرار کردند (عماره یمنی، ۱۹۸۵: ۳۶۰/۱). متوکل در سال ۵۴۵ق. به روستای بَیتُ بَوس[۲] رفت (محلی، ۱۴۲۳: ۲۳۶/۲) و در مدت اقامت خود در آنجا، داعیانی به اطراف فرستاد و اشراف و بزرگانی از جَنْب،[۳] عَبْس[۴] و زَبید[۵] را با خود همراه کرد (محلی، همان، همان‌جا). سپس در ذی‌حجه همان سال، همراه با گروه‌هایی که از مِذحَج و بکیل به او

۱ نشوان‌بن سعید فقیه زیدی، قاضی، معتزلی، زبان‌شناس، ادیب، تاریخ‌دان، نسب‌شناس و مؤلف یمنی در سدهٔ ششم هجری بود. او از تبار یکی از پادشاهان حمیر بود (زرکلی، ۲۰۰۲: ۸/ ۳۳۵). متوکل و نشوان هر دو از شاعران فصیح و بلیغ بودند که با هم مکاتبات شعری داشتند (جرافی، ۱۴۰۷: ۱۷۹).

۲ بَیتُ بَوس: روستا و قلعه‌ای در جنوب غربی صنعا که نام آن به ذی‌بوس‌بن ذی‌سحر منسوب است (حجری، ۱۴۱۶: ۱۲۹/۱).

۳ جَنْب: روستایی در شمال صعده که قبایلی از مذحج، سنحان، شمران و هفان در آنجا ساکن‌اند (حجری، ۱۴۱۶: ۱۹۲/۱).

۴ عَبْس: در شمال حجه و جنوب غربی صعده واقع است (مقحفی، ۱۹۸۵: ۱۰۰۹/۲).

۵ زَبید: منطقه‌ای که در شهر صعده واقع است (حجری، ۱۴۱۶: ۳۹۱/۲).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

پیوسته بودند، صنعا را فتح کرد. با همدانیان صنعا که حاضر به اطاعت از او نبودند، جنگید و امور شهر را سامان داد و اوامر و احکام الهی و حدود شرعی اسلامی را اجرا کرد و هزاران دینار مالیات آنها را بخشید (محلی، ۱۴۲۳: ۲۳۶/۲). حاتم که به رَوضَة[۱] پناه برده بود، به متوکل نامه نوشت و از او طلب عفو و بخشش کرد (زباره، ۱۴۱۹: ۱۳۸/۲-۱۳۷)، اما با مخالفت اطرافیان متوکل مواجه شد و مدتی در روضة ماند تا اینکه در زیر کوه بَراش[۲] درحالی‌که باران شدیدی می‌آمد، با یکدیگر مواجه و درگیر شدند (زباره، ۱۴۱۹: ۱۳۸/۲).

۵-۳. نبرد رَغام

در سال ۵۴۶ق. بنی‌زواحی که در قلعهٔ کوکبان[۳] ساکن بودند، برای تحویل قلعه و تسلیم شدن به سوی متوکل آمدند، اما همدانیان و در رأس آن سلطان حاتم با اقدام آنها مخالفت کردند، تا اینکه جنگ درگرفت و نام آن را رَغام[۴] گذاشتند (زباره، ۱۴۱۹: ۱۳۸/۲). متوکل پس از شکست همدانیان، به غیمان و سپس ذمار[۵] رفت و پس از ملاقات با بزرگان آل دعام، به جبجب در صعده بازگشت. سپاه حاتم از نبردهای پی‌درپی خسته شده بود و توانایی مقابله با متوکل را نداشت. در نهایت، در سال ۵۴۷ق. متوکل و حاتم در روستای بیت‌الجالد[۶] با یکدیگر ملاقات و صلح کردند. متوکل شرایط و مفادی را به حاتم پیشنهاد داد و حاتم مجبور به پذیرش و اجرای آن گردید (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۲). مقرر شده بود یاران و اصحاب متوکل در صنعا سکونت کنند و به جان و مالشان تعرض نشود و در صنعا امر به معروف و نهی از منکر شود و خطبه به نام اسماعیلیه ممنوع گردد؛ همچنین مذهب الهادی إلی الحق اظهار گردد و احترام بزرگان و اشراف زیدیه حفظ شود و در همه جا جنگ و خصومت علیه زیدیه ترک شود (زباره، ۱۴۱۹: ۱۳۹/۲). پس از انعقاد صلح‌نامه، متوکل پیروزمندانه و راضی از این قرارداد، با قبایل مختلف ملاقات کرد و

---

۱ رَوضَة: در شمال صنعا با فاصلهٔ دو ساعت واقع است. قبیلهٔ بنی‌حارث در آنجا ساکن می‌باشند (حجری، ۱۴۱۶: ۲/ ۳۷۳).

۲ بَراش: کوهی بزرگ با ارتفاع ۲۹۰۰ متر از سطح دریا که در شرق صنعا واقع است (مقحفی، ۱۹۸۵: ۱۴۹/۱).

۳ کوکبان: قلعه‌ای معروف در شمال غرب صنعا که بر کوهی بلند و صعب‌العبور با ارتفاع سه‌هزار متر از سطح دریا، با نقره و سنگ‌های درخشان ساخته شده است (قزوینی، ۱۳۷۳: ۱۱۴).

۴ رَغام: به معنای خاک نرم و لگد شده و شن‌زار است (حموی، ۱۳۸۰: ۵۳۳/۲-۵۳۴).

۵ ذمار: شهری که در صد کیلومتری جنوب صنعا واقع است (حجری، ۱۴۱۶: ۳۴۱/۲).

۶ بیت‌الجالد: روستایی در نزدیکی أرحَب که در شمال شرق صنعا واقع است. قبر امام زیدی حمزةبن أبی‌هاشم که در قرن پنجم به دست علی‌بن محمد صلیحی به قتل رسید، در آنجا قرار دارد (حجری، ۱۴۱۶: ۶۶/۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

با آنها پیمان صلح بست. قبایل در مناطقی چون خولان شام، حیدان، وادعه، جوف، مدع، مسور، جنب و ذمار بودند (زباره، ۱۴۱۹: ۱۳۸/۲). او با اسماعیلیه در قبایل وادعه که پیمان نبستند، جنگید (شامی، ۱۴۲۶: ۴۶۶/۱).

۶-۳. نبرد غَیل جُلاجِل

در رجب سال ۵۴۹ متوکل با بخشی از پیروان اسماعیلیه باطنیه[۱] از یام[۲] و وادعه درگیر شد که به نبرد غَیل جُلاجِل[۳] معروف گردید. هنگامی که متوکل به یام رسید، متوجه شد مردم مرتکب فسق، فجور و فحشا شدند (محلی، ۱۴۲۳: ۲۳۷/۲) و با باطنیه درگیری لفظی شدیدی پیش آمد و منجر به جنگ میان آنان شد. علت خشم متوکل این بود که در ماه رمضان یکی از زنان باطنیه در جمع سپاهیان متوکل، موی سر خود را کوتاه کرد و از تجاوزی که پسرش به او کرده بود، شکایت کرد. متوکل غضبناک شد و قسم خورد که باطنیه را از میان بردارد (شامی، ۱۴۲۶: ۴۶۹/۱؛ دیلمی، ۱۹۵۰: ۱۰۲). در روز جمعهٔ ماه ربیع‌الأول همان سال زلزلهٔ شدیدی رخ داد که لرزش آن از صنعا تا عدن احساس شد و تعداد زیادی مردم کشته شدند و تعدادی از قلعه‌ها، روستاها و خانه‌ها ویران گردید[۴] (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۴). پس از آن متوکل با صد سواره و هزار پیاده از قبایل نَهْد، جَنْب و خَثْعَم که در شهرهای بنی‌شریف و سَنحان شام ساکن بودند (شامی، ۱۴۲۶: ۴۶۹/۱)، با اهل یام و وادعه جنگید و پیروز شد. او اموال آنان را غنیمت گرفت و تا سه روز مشغول تخریب خانه‌های آنها گردید و بقیه اهالی آنجا را به نجران تبعید کرد (عماره یمنی، ۱۹۸۵: ۳۶۰؛ مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۳). سپس به جَبجَب رفت و دو ماه در آنجا ماند و با شریف قاسم‌بن غانم که به سبب اختلاف با برادرش وهاس‌بن غانم، از تهامه به کوه العرو[۵] رفته

---

۱ باطنیه سه گروه بودند؛ اسماعیلیه، دروزیه و نصیریه. این فرقه بدین دلیل که برای آیات قرآن و احکام دین به ظاهر و باطن قایل بودند و باطن را از ظاهر برتر می‌شمردند و مراد اصلی آیات و احکام را همان باطن می‌دانستند، به باطنیه معروف شدند (ر.ک: زکار، ۲۰۰۷: ۱۱۷/۱-۱۲۰). نشوان در کتاب *حور العین* در مورد آنها آورده است: «آنها اهل یمن و از زندقه و مرتد هستند که حتی با گفتن شهادتین هم وجوب قتلشان رفع نمی‌شود» (دیلمی، ۱۹۵۰: ۱۱۵).

۲ یام: قبیله‌ای از حاشد و همدان است. ابتدا در جوف بودند و به نجران مهاجرت کردند. تعدادی از این قبیله در غرب حراز هم ساکن‌اند (حجری، ۱۴۱۶: ۲/ ۷۷۴ ؛ مقحفی، ۱۹۸۵: ۱۸۹۹/۲).

۳ جُلاجِل: منطقه‌ای در شهر وادعه که در شمال غربی صعده واقع است (ابن‌حائک، ۱۴۰۳: ۲۲۵/۱).

۴ خزرجی در کتاب *العسجد المسبوک فیمن ولی الیمن من الملوک* نام قلعه‌ها، روستاها، مسکن‌ها و تعداد جان‌باختگان این زلزله را بیان کرده است (خزرجی، ۱۴۰۱: ۱۳۲).

۵ العرو: کوهی در غرب صعده به فاصله ۳۷ کیلومتری قرار دارد (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۳).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

بود، ملاقات کرد و او را با خود به صعده و جوف بُرد (محلی، ۱۴۲۳: ۲۴۰/۲-۲۴۴؛ مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۳؛ عرشی، ۱۳۱۸: ۱۷، ۳۹-۴۰).

۷-۳. نبرد شَرَزَه[۱]

سلطان حاتم، محمدبن عُلَیّان‌بن سعید بُحیری خولانی[۲] (متوفای ۵۵۲ق) را که به همراه سیصد نفر با متوکل بیعت کرده بود، در بازار سَهمان صنعا که برای خرید مایحتاج به آنجا آمده بود، به قتل رساند (ابن‌دیبع، ۱۴۰۹: ۲۴۸). متوکل از شنیدن این اتفاق ناراحت شد و درصدد انتقام و حمله به صنعا برآمد (شهاری، ۱۴۲۱: ۱۰۴۷/۲). او در سال ۵۵۲ق. بار دیگر با همدانیان در میان مناطق سَنحان، شیعان، اسناف و ردعان معروف به نجد الشَرَزَه، با سلطان حاتم جنگید و پیروز شد. بعد از این رویداد که به الیوم الشرزه (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۷) یا یوم شیعان[۳] معروف شد (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۴۸/۲)، متوکل با هزار و هشتصد سواره‌نظام از قبایل مذحَج، یَعرَب، جَنب، عَنس و زَبید، در ماه شعبان سال ۵۵۲ آماده نبرد گردید (محلی، ۱۴۲۳: ۲۴۰/۲). سلطان حاتم با حمایت امیران و اشراف اطراف صنعا مانند همدان، جنب و سنحان توانست با تجهیزات جنگی همراه با نهصد سوار و ده‌هزار پیاده و سه‌هزار تیرانداز از صنعا خارج شود (محلی، ۱۴۲۳: ۲۴۰/۲). متوکل با تعداد بسیار کمتری در مقابل سپاه حاتم قرار گرفت و لشکرش را سامان داد و به آن آرایش نظامی داد و دو گروه در جناح چپ و راست گمارد و در وسط، سپاه وفاداران و بزرگان شیعه را قرار داد (محلی، همان، همان‌جا). هنگام نبرد طوفان و باد شدیدی در جهت موافق وزید که به نفع یاران متوکل بود و تیراندازان حاتم نتوانستند تیری به سوی سپاه متوکل بیندازند (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۷). متوکل در یک نبرد سخت، با پانصد کشته و پانصد اسیر از حاتم، پیروز شد و حاتم به بَراش صنعا عقب‌نشینی کرد (خزرجی، ۱۴۳۰: ۳۱۴/۱). متوکل نیز به سوی پایتخت صنعا عزیمت کرد (زباره، ۱۴۱۹: ۱۴۳/۲). سپاهیان به دستور متوکل قصرها و قلعه‌ها از جمله قصر غَمدان[۴] را ویران کردند (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۶۲/۲) و مردم صنعا تسلیم شدند

---

۱ شَرَزه: دره‌ای معروف در شهر سنحان که در نزدیکی روستای شعسان واقع است (حجری، ۱۴۱۶: ۴۴۹/۳).

۲ «محمدبن علیان» عالم و دانشمند از مخترعه بود. او بعد از ابوطالب اخیر (متوفای ۴۴۴ق) با متوکل بیعت کرد، اما پدرش علیان‌بن سعد از نزدیک‌ترین شاگردان مطرف‌بن شهاب و از مطرفیه بود (شهاری، ۱۴۲۱: ۴۶۳/۲).

۳ شیعان: روستای معروفی در سنحان که در نزدیکی جنوب شرقی صنعا واقع است (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۲/ ۷۴۸).

۴ غَمدان: قصری قدیمی و چند طبقه و مرتفع در شرق صنعا که مسیر نفوذناپذیری داشت (ابن‌حائک، ۱۳۸۶: ۲۶/۸- ←

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

(مطاع، ۱۹۸۶: ۳۳۷).

۸-۳. نبرد با بنی‌نجاح در زَبید

متوکل در سال ۵۵۳ق. به درخواست اهالی زَبید (زباره، ۱۴۱۹: ۱۴۴/۲) برای نبرد با فاتک‌بن محمدبن فاتک‌بن جَیّاش حبشی (متوفای ۵۵۳ق) امیر بنی‌نجاح، عازم زبید شد. فاتک سَوم به فسق، فجور و فحشا روی آورده بود و لباس زنان می‌پوشید و احکام اسلامی را رعایت نمی‌کرد (مدنی، ۱۴۲۶: ۳۰۲/۱). متوکل زبید را تصرف کرد و به کمک اهالی ناراضی، فاتک را به اسارت درآورد (زباره، ۱۴۱۹: ۱۴۴/۲). اصحاب و یاران نزدیک فاتک، به متوکل مبلغ دیهٔ هنگفتی در مقابل آزادی فاتک پیشنهاد دادند، اما متوکل نپذیرفت و او را به قتل رساند (مدنی، ۱۴۲۶: ۳۰۲/۱؛ عماره یمنی، ۱۹۸۵: ۳۶۱؛ شهاری، ۱۴۲۱: ۱۳۵/۱). متوکل در مقابل خدمتی که به مردم زبید کرد، مالی درخواست نکرد و حتی غذایش را خودش می‌خرید و از آنها چیزی طلب نکرد[۱] (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۶۴/۲). متوکل هشت روز در زبید ماند، اما چون تعداد انبوه لشکریان در شهر، مشکلات و مزاحمت‌هایی برای اهالی ایجاد کرده بود (خزرجی، ۱۴۳۰: ۳۱۴/۱)، بلافاصله برای آنجا والی انتخاب کرد و پیروزمندانه بازگشت (عماره یمنی، ۱۹۸۵: ۳۶۱). گویا متوکل از نبرد در برابر بنی‌مهدی در هراس بود و به سرعت زبید را ترک کرد (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۳۰۹/۳).

۹-۳. امامت متوکل در حجاز و ایران

از قرن ششم به بعد مناسبات فرهنگی و سیاسی میان زیدیهٔ ایران و یمن رواج یافت و به رسمیت شناختن امام زیدی به عنوان رهبری واحد، امری عادی بود.[۲] در میان امامان زیدیه، متوکل از

→ ۲۸) و حاتم آن را مستحکم کرده بود (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۶۲/۲). گفته شده است این قلعه توسط قاضی الرشید که از مصر آمده بود، مهندسی و بازسازی شده است (ابن‌دیبع، ۱۴۶۱: ۸۵)؛ به گونه‌ای که چاهی در آن حفر کرد و کاخی مربع‌شکل ساخت و از مصالح گچ، آجر و چوب در آن استفاده کرد. همچنین خندقی دور آن کند که مانند آن در صنعا و یمن دیده نشده است (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۶۲/۲).

۱ ابن‌خلدون گفته است: «متوکل به شرطی به اهالی زبید یاری رساند که فاتک را بکشند و متوکل را امیر خود بدانند، اما متوکل از ترس بنی‌مهدی شبانه گریخت» (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۳۰۹/۳).

۲ براساس گزارش‌ها، در قرن ششم حداقل در سه مقطع زیدیان ایران و یمن رهبری واحدی را پذیرفتند: ۱. پذیرش و تبلیغ امام زیدیه ایران، ابوطالب اخیر یحیی‌بن احمدبن حسین هارونی (متوفای ۵۲۰ق) در یمن؛ ۲. پذیرش دعوت ←

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

نظر تکاپوی علمی و جهادی کم‌نظیر بود و توانست بر بیشتر مناطق شمالی یمن مستولی شود. دعوت او تا گیلان و دیلم رسید و در برخی نواحی جزیرةالعرب، مانند خیبر و حجاز هم خطبه به نام او خوانده می‌شد (محلّی، ۱۴۲۳: ۲۴۴/۲–۲۴۵؛ ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۶۶/۲–۷۶۷). در سال ۵۶۰ق. شخصیتی شجاع و دلیر به نام سید علی‌بن محمد حسنی غزنوی[۱] که نسبش به علی‌بن حسین سجاد(ع) می‌رسید، در گیلان قیام کرد (مادلونگ، ۱۹۸۷: ۱۵۹). او از غزنهٔ خراسان به مازندران و گیلان مهاجرت کرد و پس از دعوت اهالی آنجا به مذهب زیدیه، با حمایت مردم زمام امور را در گیلان به دست گرفت. او با سید محمدبن اسماعیل داوودی بر سر تصاحب منصب امامت زیدیه در گیلان، حدود سی سال نزاع و درگیری‌های خونین داشت (مادلونگ، ۱۹۸۷: ۱۶۰؛ فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۵: ۱۳۰–۱۳۱). سید محمد به اوامر و احکام زیدیه پایبند نبود و سست عقیده بود و با خشونت رفتار می‌کرد؛ به همین دلیل مردم از وی رویگردان بودند (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۸۵: ۱۳۱–۱۳۲). سید علی در گیلان مردم را به امامت خود دعوت نکرد، بلکه به نیابت از امام زیدیهٔ یمن، المتوکل احمدبن سلیمان (متوفای۵۶۶ق) اشخاص خاصی را دعوت کرد. البته به مصلحت در شرایط حساس گیلان نمی‌توانست به صورت علنی و عمومی نام متوکل را در خطبه بگوید؛ زیرا امامت خودش با مشکل مواجه می‌شد (مادلونگ، ۱۹۸۷: ۱۵۹). در خیبر نیز قاضی الفاضل عبید مولی علی و در یَنبع، شریف سید حسن‌بن عبدالکریم الحسنی به نام او خَطبه می‌خواندند (محلی، ۱۴۲۳: ۲۴۴/۲؛ مطاع، ۱۹۸۶: ۳۶۲).

۴. سرانجام کار متوکل

در سال ۵۶۵ق. متوکل با تعداد کمی از محافظان برای بازدید و بازرسی به مناطق ذمار رفت. اشراف قاسمی[۲] که در وادعه از نواحی ظاهر[۳] ساکن بودند، پس از آگاهی از ورود او به وادعه و اهنوم

→ امام زیدیه یمن، متوکل علی‌الله احمدبن سلیمان (متوفای ۵۶۶ق) در گیلان؛ ۳. پذیرش امامت منصور بالله عبدالله‌بن حمزه یمنی، از سوی طبرستان و گیلان.

۱ مُحَلی در کتاب *حدائق الوردیة* نام امام زیدیه در گیلان را که به نام متوکل خطبه می‌خواند، «سید علی محمد العربونی» نوشته است (محلی، ۱۴۲۳: ۲۴۴/۲؛ ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۶۶/۲).

۲ قاسمیان در ذمار منسوب به قاسم‌بن عیانی می‌باشند (ربعی، ۱۴۱۳: ۵۵-۵۹).

۳ ظاهر: منطقه‌ای در غرب صعده است (مقحفی، ۱۹۸۵: ۹۷۱/۱). یک ظاهر دیگر هم در شمال صنعا وجود دارد که قبایل همدان در آنجا ساکن‌اند (حجری، ۱۴۱۶: ۵۶۳/۳).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

(شامی، ۱۴۲۶: ۴۷۲/۱)، خیانت کردند و امام را دستگیر و او را در کارگاه نساجی در اُثافَت[۱] (ابن‌دیبع، ۱۴۰۹: ۲۵۶) نزدیک شهر خَمر زندانی کردند (زباره، ۱۴۱۹: ۱۴۴/۲). پسران متوکل از علی‌بن حاتم خواستند متوکل را شفاعَت کند و او نامه‌ای به **فَلیتَهُبن** قاسم قاسمی از پیروان حسینیه نوشت (محلی، ۱۴۲۳: ۲۴۴/۲) تا متوکل را آزاد کند (شامی، ۱۴۲۶: ۴۷۲/۱). پس از درگیری میان اصحاب امام و قاسمیان، ضربه‌ای به چشم امام اصابت کرد و او مجروح و سپس نابینا شد (زباره، ۱۴۱۹: ۱۴۴/۲). متوکل پس از رهایی از اسارت، هنگامی که حاتم از کوکبان عبور می‌کرد (خزرجی، ۱۴۳۰: ۱۳۸۴/۳)، از همدانیان و علی‌بن حاتم قدردانی کرد (ابن‌قاسم، ۱۳۸۸: ۳۱۸/۱) که برای آزادی او تلاش کرده بودند (زباره، ۱۴۱۹: ۱۶۱/۲). متوکل از حاتم خواست از قاسمیان انتقام بگیرد. حاتم در سال ۵۶۶ با سپاهی عظیم به سوی اثافت حرکت کرد، اما آنها تسلیم نشدند. حاتم روستای بنی‌قیس، بنی‌عبس و آبادی‌ها و قلعه‌های آنان را ویران کرد و با وساطت شیخ حسن‌بن یعفر، آنها را بخشید و با متوکل به خولان شام بازگشت (ابن‌دیبع، ۱۴۰۹: ۲۵۷). متوکل سپس به حوث و بعد از آن به یَسنَم در شمال صعده رفت (زباره، ۱۴۱۹: ۱۴۴/۲). او سرانجام پس از ۳۳ سال حکومت طولانی، درحالی که نابینا شده بود (ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۷۶۶/۲)، در ربیع‌الثانی سال ۵۶۶ درگذشت و در شهر حَیدان از بلاد خولان‌بن عامر در غرب صعده، به خاک سپرده شد (جرافی، ۱۴۰۷: ۱۷۸؛ ثقفی، ۲۰۰۲: ۱۲). اوضاع آشفته و نابسامان یمن باعث شده بود امیر یحیی‌بن احمدبن سلیمان یکی از پسران متوکل، در سال ۵۶۷ در صعده قیام کند (مطاع، ۱۹۸۶: ۳۶۳)، اما پس از نبردهای متعدد با اسماعیلیه و حسینیه، نتوانست همچون متوکل بر مناطق مختلف یمن چیره شود و در سال ۵۹۵ در اثافت درگذشت (محلّی، ۱۴۲۳: ۲۴۶/۲؛ ابن‌فند، ۱۴۲۳: ۸۳۹/۲).

نتیجه‌گیری

زیدیه در قرن ششم در انزوای سیاسی بود تا اینکه متوکل با صلابت و عزم استوار و اراده‌ای قوی برای یکپارچه‌سازی و اتحاد مناطق یمن تلاش بسیار کرد. هدفش از میان برداشتن دولت‌های مخالف محلی مستقل و نیمه‌مستقل بود و تا حدودی موفق شد مناطق شمالی یمن را متحد کند.

۱ اُثافَت: شهر باستانی قدیمی ویران‌شده در شرق شهر خَمِر است (حجری، ۱۴۱۶: ۵۶/۱). این شهر در اواخر قرن ششم توسط فرزند متوکل محمدبن احمدبن سلیمان برای انتقام برادرش یحیی ویران شد (مقحفی، ۱۹۸۵: ۲۴/۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

یافته‌های این مقاله نشان داد که موانع و چالش‌هایی چون فعالیت حسینیه و مطرفیه، عدم انسجام زیدیهٔ صعده و صنعا، تعصبات قبیلگی و پراکندگی یاران و همچنین رقابت میان حاکمان محلی، در کُند شدن فعالیت‌های متوکل مؤثر بود. متوکل به مسائل شرعی و اجرای احکام الهی حساس بود و برای اطمینان از اطاعت و تسلیم آنها در برابر خود و عدم تخطی از دستورات اسلام، به والی مالیات و حقوق می‌داد و او را مجبور به اطاعت و اجرای قوانین و حدود اسلامی می‌کرد. اگر والی سرپیچی می‌کرد، او را عزل و به شدت برخورد می‌کرد و یا با وی می‌جنگید؛ همان‌طور که با فاتک سوم در زبید و برخی از سلاطین و بزرگان رفتار کرد. برآیند پژوهش حاضر این است که متوکل با تکاپوی سیاسی و فرهنگی توانست زیدیه را از رکود و افول رهایی دهد و به عنوان احیاگر و آغازگر دورهٔ دوم حکومت زیدیه در یمن شناخته شود.

شاید بتوان عوامل زیر را از مهم‌ترین عوامل موفقیت و پیروزی متوکل به عنوان آغازگر و احیاگر دورهٔ دوم حکومت زیدیه در یمن دانست:

- حمایت سیاسی و نظامی متوکل از علما و اشراف زیدیه؛
- برقراری صلح میان قبایل زیدیه و غیرزیدیه؛
- افول حکومت خلفای فاطمی مصر که از صلیحیان حمایت می‌کردند؛
- سقوط حکومت صلیحیان با مرگ ملکه اروی؛
- اجرای حدود و احکام الهی و امر به معروف و نهی از منکر و عدالت‌خواهی.

با توجه به یافته‌های پژوهش، از جمله موانع و مشکلات عدم تداوم قیام و حکومت متوکل را می‌توان در چند مورد کلی ارزیابی کرد:

- نبردهای متعدد با حاکمان محلی و ضعف نیروی انسانی و نظامی؛
- پراکندگی، اختلاف و عدم انسجام اشراف و یاران در درون زیدیه؛
- تعصبات و حسادت‌های قبیله‌ای در صعده و صنعا؛
- جابه‌جایی‌های مکرر و نداشتن پایگاه و مقر حکومتی قدرتمند و مورد قبول و پذیرش همهٔ زیدیان؛
- کشتار بی‌رحمانه و بی‌محابای همدانیان صنعا، حافظیه و باطنیه؛
- نداشتن جانشینی قدرتمند برای ادامهٔ فعالیت سیاسی؛

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

نجاح و



نقشهٔ برخی شهرهای شمال یمن؛ محدودهٔ فعالیت سیاسی و نظامی المتوکل علی‌الله احمدبن سلیمان
(منبع: حجری، مجموع البلدان الیمن و قبائلها؛ مقحفی، معجم المُدن و القبائل الیمنیة)

منابع و مآخذ

- ابن‌أبی‌الرجال، احمدبن صالح (۱۴۲۵)، *مطلع البدور و مجمع البحور فی تراجم رجال الزیدیه*، تحقیق عبد الرقیب مطهر و محمد حجر، ج۲، صعده: مرکز اهل البیت(ع) للدراسات الاسلامیة.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

- ابن‌حائک، ابومحمد حسن‌بن احمد همدانی، (۱۳۸۶)، *الاکلیل من اخبار الیمن و انساب الحمیر*، تحقیق محب‌الدین الخطیب، ج۸، قاهره: السلفیة.
- ..... (۱۴۰۳)، *صفة جزیرة العرب*، تحقیق محمدبن علی أکوع، ج۱، صنعا: مکتبة الارشاد.
- ابن‌حمزه، منصور بالله عبدالله‌بن سلیمان حسینی (۱۴۰۶)، *الشافی*، ج۱، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن‌بن محمد (۱۳۶۳)، *العبر*، تحقیق عبدالمحمد آیتی، ج۳، تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ..... (۱۴۰۸)، *تاریخ ابن‌خلدون*، تحقیق سهیل زکار، ج۳، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌دیبع، أبی‌الضیا عبدالرحمن‌بن علی الشیبانی الزبیدی (۱۴۰۹)، *قرة العیون فی أخبار الیمن المیمون*، تحقیق محمد الأکوع، قاهره: السلفیة.
- ..... (۱۴۶۱)، *نشر المحاسن الیمانیة فی خصائص الیمن و نسب القحطانیة*، تحقیق احمد راتب حموش، بیروت: دار الفکر المعاصر.
- ابن‌فند، محمدبن علی (۱۴۲۳)، *مآثر الابرار فی تفصیل مجملات الاخبار*، تحقیق عبدالسلام الوجیه و خالد المتوکل، ج۲، عمان: مؤسسة الامام زیدبن علی.
- ابن‌قاسم، یحیی‌بن حسین (۱۳۸۸)، *غایة الامانی فی اخبار القطر الیمانی*، تحقیق سعید عبدالفتاح عاشور و محمد مصطفی زیاده، ج۱، قاهره: [بی‌نا].
- ابن‌مجاور، ابوالفتح نجم‌الدین یوسف‌بن یعقوب‌بن محمدبن علی شیبانی دمشقی (۱۹۹۶)، *تاریخ المستبصر*، تحقیق ممدوح حسن محمّد، ج۱، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة.
- اکوع، اسماعیل‌بن علی (۱۴۱۷)، *هجر العلم و معاقله فی الیمن*، ج۲، دمشق: دار الفکر.
- ثقفی، سلیمان‌بن یحیی (۲۰۰۲)، *سیرة الامام متوکل علی‌الله احمدبن سلیمان*، تحقیق عبدالغنی محمد عبدالعاطی، [بی‌جا]: عین الدراسات و بحوث الانسانیة.
- جرافی، عبدالله‌بن عبدالکریم الیمنی (۱۴۰۷)، *المقتطف من تاریخ الیمن*، بیروت: العصر الحدیث.
- حجری، محمدبن أحمدبن علی (۱۴۱۶)، *مجموع البلدان الیمن و قبائلها*، تحقیق محمدبن احمد و اسماعیل‌بن علی اکوع، ج۱، ۲، ۳، صنعا: دار الحکمة الیمانیة.
- حسینی اشکوری، احمد (۱۴۱۳)، *مؤلفات الزیدیة*، ج۲، قم: مکتبة آیة‌الله العظمی المرعشی النجفی(ره).
- حموی، یاقوت‌بن عبدالله (۱۳۸۰)، *معجم البلدان*، ترجمهٔ علی‌نقی منزوی، ج۵، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- خزرجی، أبی‌حسن علی انصاری (۱۴۰۱)، *العسجد المسبوک فیمن ولی الیمن من الملوک*، دمشق: دارالفکر، چ۲.
- خزرجی، علی‌بن حسن (۱۴۳۰)، *العقد الفاخر الحسن فی طبقات أکابر أهل الیمن*، ج۱، ۳، صنعا: مکتبة الجیل الجدید.
- دیلمی، محمدبن حسن (۱۹۵۰)، *قواعد عقائد آل محمد(ص) فی الردّ علی الباطنیة*، تحقیق اشتروتمان، پاریس:

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

دار البیبلیون.
- ربعی، مفرح‌بن احمد (۱۴۱۳)، *سیرة الأمیرین الجلیلین الشریفین الفاضلین (القاسم و محمد ابنی جعفر ابن الإمام القاسم بن علی العیانی)*، تحقیق عبدالغنی محمد عبدالعاطی، بیروت: المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع.
- زباره، محمدبن محمدبن یحیی الحسنی الیمنی الصنعانی (۱۴۱۹)، *خلاصة المتون فی انباء و نبلاء الیمن المیمون*، ج۲، صنعا: مرکز التراث الیمنی.
- زرکلی، خیرالدّین (۲۰۰۲)، *الاعلام*، ج۸، بیروت: دار العلم للملایین.
- زکّار، سهیل (۲۰۰۷)، *الجامع فی أخبار القرامطه*، ج۱، دمشق: التکوین.
- زید، علی محمد (۱۹۹۷)، *تیارات معتزلة الیمن فی القرن السادس الهجری*، صنعا: المرکز الفرنسی للدراسات الیمنیه.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۴)، *معجم طبقات المتکلمین*، ج۲، قم: مؤسسة الإمام الصادق.
- سناعی، شمس‌الدین جعفربن احمدبن عبدالسلام تمیمی بهلولی (۱۴۲۲)، *تیسیر المطالب فی أمالی أبی‌طالب*، صنعا: مؤسسة الإمام زیدبن علی الثقافیة.
- شامی، احمدبن محمد (۱۴۲۶)، *تاریخ الیمن الفکری فی العصر العباسی*، ج۱، ۲، بیروت: منشورات العصر الحدیث.
- شهاری، ابراهیم‌بن قاسم‌بن مؤید بالله (۱۴۲۱)، *طبقات الزیدیة الکبری (بلوغ المراد الی معرفة الاسناد)*، تحقیق عبدالسلام‌بن عباس وجیه، ج۱، ۲، ۳، صنعا: مؤسسة الامام زیدبن علی الثقافیة.
- عرشی، حسین‌بن احمد (۱۳۱۸)، *بلوغ المرام فی شرح مسک الختام فی من تولّی ملک الیمن من ملک و امام*، به کوشش انستاس ماری کرملی، بیروت: [بی‌نا].
- عماره یمنی، ابومحمدبن أبی‌الحسن (۱۹۸۵)، *تاریخ الیمن؛ المختصر المنقول من کتاب العبر، اخبار القرامطة بالیمن موسوم به المفید فی أخبار صنعاء و زبید*، صنعا: مکتبة الإرشاد.
- فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی (۱۳۸۵)، *تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری*، قم: انتشارات وثوق.
- فؤاد سید، أیمن (۱۴۰۸)، *تاریخ المذاهب الدینیة فی البلاد الیمن حتی نهایة القرن السادس الهجری*، بیروت: دار المصر اللبنانیة.
- قزوینی، زکریابن محمد (۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمهٔ جهانگیرمیرزا قاجار، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- مادلونگ، ویلفرد (۱۹۸۷)، *اخبار ائمة الزیدیة فی طبرستان و دیلمان و جیلان (رسالة یوسف‌بن أبی‌الحسن)*، بیروت: مطبعة المتوسط.
- ..... (۱۳۷۵)، *مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه*، ترجمهٔ جواد قاسمی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- متوکل، احمدبن سلیمان (۱۴۲۴)، *حقائق المعرفة*، صنعا: مؤسسة الإمام زیدبن علی الثقافیة.
- مُحلّی، حُمَیدبن احمد (۱۴۲۳)، *الحدائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدیة*، تحقیق مرتضی‌بن زید

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

المحطوری الحسنی، ج۲، صنعا: مکتبة بدر.
- مدنی، ضامن‌بن شدقم (۱۴۲۶)، *تحفة الأزهار و زلال الأنهار فی نسب أبناء الأئمة الأطهار*، ج۱، [بی‌جا]: التراث المکتوب.
- مطاع، احمدبن احمد (۱۹۸۶)، *تاریخ الیمن الاسلامی*، تحقیق عبدالله محمد الحبشی، بیروت: منشورات المدینة.
- مقحفی، ابراهیم احمد (۱۹۸۵)، *معجم المُدن و القبائل الیمنیة*، ج۱، ۲، صنعاء: منشورات دار الحکمة.
- مؤیدی، مجدالدین‌بن محمد حسنی (۱۴۳۸)، *التُّحَفُ شرح الزُّلَف*، صنعا: مکتبة أهل البیت(ع).
- واسعی، عبدالواسع‌بن یحیی یمانی (۱۳۴۶)، *تاریخ الیمن؛ فرجة الهموم و الحزن فی حوادث و تاریخ الیمن*، قاهره: [بی‌نا].
- وجیه، عبدالسلام (۱۴۲۰)، *اعلام المؤلفین الزیدیة*، عمان: مؤسسة الامام زیدبن علی.

List of sources with English handwriting

- Akwa', Ismail bin Ali (1417). *Hijr al-Ilm wa Ma'aqilihi fi al-Yaman*, vol. 2, Damascus: Dar al-Fikr. **[In Persian]**
- Ammara Yemeni, Abu Muhammad ibn Abi al-Hasan (1985). *Tarikh al-Yaman; al-Mukhtaṣar al-Manqul min Kitab al-'Ibr*, Akhbar al-Qaramitah bi-al-Yaman Musawwam bi-al-Mufid fi Akhbar Sana'a wa Zabid. Sana'a: Maktabat al-Irshad. **[In Persian]**
- Arshi, Husayn ibn Ahmad (1318). *Bulugh al-Maram fi Sharh Musk al-Khatam fi Man Tawalla Malik al-Yaman min Malik wa Imam*, edited by Anastas Marie Karmaly. Beirut: [n.p.]. **[In Persian]**
- Daylami, Muhammad ibn Hasan (1950). *QawaidAqa'id Al al-Muhammad (S) fi al-Radd `ala al-Batiniyyah*. Edited by Strothmann. Paris: Dar al-Bibliothéque. **[In Persian]**
- Fouad Sayyed, Ayman (1408). *History of Religious Sects in Yemen Until the End of the Sixth Century Hijri*, Beirut: Dar al-Mashriq al-Lubnaniyah. **[In Persian]**
- Hamwi, Yaqut ibn Abdullah (1380). *Mujam al-Buldan. Translated by Ali Naqi Manzavi.* Vol. 5. Tehran: Sazman-e Miras-e Farhangi Keshvar. **[In Persian]**
- Hijri, Muhammad ibn Ahmad ibn Ali (1416). *Majmu al-Buldan al-Yaman wa Qaba'il-ha*. Edited by Muhammad ibn Ahmad and Ismail ibnAli Akwa`. 3 vols. Sana'a: Dar al-Hikmah al-Yamaniah. **[In Persian]**
- Hosseini Ashkuri, Ahmad (1413). *Mu'allifat al-Zaidiyyah*. Vol. 2. Qom: Maktabat Ayatollah al-Uzma al-Marashi al-Najfi (ra). **[In Persian]**
- Ibn Abi al-Rijal, Ahmad bin Salih (1425). *Matla' al-Budur wa Majma' al-Buhur fi Tarajim Rijal al-Zaidiyyah*, edited by Abdul Raqib Mutahhar and Muhammad Hajr, vol. 2, Sa'dah: Markaz Ahl al-Bayt li-l-Dirasat al-Islamiyyah. **[In Persian]**
- Ibn al-Ha'ik, Abu Muhammad Hasan bin Ahmad Hamdani (1386). *Al-Iklil min Akhbar al-Yaman wa Ansab al-Hamir*, edited by Muhib al-Din al-Khatib, vol. 8, al-Salfiyyah,

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

Cairo. **[In Persian]**
- Ibn al-Ha'ik, Abu Muhammad Hasan bin Ahmad Hamdani (1403). *Sifat Jazirat al-Arab*, Muhammad bin Ali Akwa', vol. 1, Sana'a: Maktabat al-Irshad. **[In Persian]**
- Ibn Dibe', Abi al-Diya' Abdul Rahman bin Ali al-Shaibani al-Zabidi (1409). *Qurat al-Uyūn fi Akhbar al-Yaman al-Maymun*, edited by Muhammad al-Akwa', Cairo: al-Salfiyyah. **[In Persian]**
- Ibn Dibe', Abi al-Diya' Abdul Rahman bin Ali al-Shaibani al-Zabidi (1461). *Publishing Yemeni Virtues in the Characteristics of Yemen and the Lineage of Qahtan*, researched by Ahmed Rateb Hamoush, Beirut: Dar Al-Fikr Al-Mu'asir. **[In Persian]**
- Ibn Fund, Muhammad bin Ali (1423). *Ma'athir al-Abrar fi Tafsil Mujmalat al-Akhbar*, edited by Abdul Salam al-Wajih and Khalid al-Mutawakkil, vol. 2, Oman: Mu'assasat al-Imam Zayd bin Ali. **[In Persian]**
- Ibn Hamza, Mansur billah Abdullah bin Sulayman Husseini (1406). *Al-Shafi*, vol. 1, Beirut: Mu'assasat al-A'lami li-l-Matbu'at. **[In Persian]**
- Ibn Khaldun, Abdul Rahman bin Muhammad (1363). *Al-Ibar*, edited by Abdul Muhammad Aiti, vol. 3, Tehran: Mu'assasat al-Dirasat wa al-Tahqiqat al-Thaqafiyyah. **[In Persian]**
- Ibn Khaldun, Abdul Rahman bin Muhammad (1408*). Tarikh Ibn Khaldun*, edited by Suhayl Zakar, vol. 3, Beirut: Dar al-Fikr. **[In Persian]**
- Ibn Majawir, Abu al-Fath Najm al-Din Yusuf bin Ya'qub bin Muhammad bin Ali Shaibani Dimashqi (1996). *Tarikh al-Mustabsir*, edited by Mamduh Hassan Muhammad, vol. 1, Cairo: Maktabat al-Thaqafah al-Diniyyah. **[In Persian]**
- Ibn Qasim, Yahya bin Hussein (1388). *Ghayat al-Amani fi Akhbar al-Qatr al-Yamani*, edited by Said Abdul Fattah Ashur and Muhammad Mustafa Zayadah, vol. 1, Cairo: [n.p.]. **[In Persian]**
- Jalali, Mohammad Mahdi Faqih (1385). *History of Shiaism and Shrines of Sari County*. Qom: Vosogh Publications. **[In Persian]**
- Jarrafi, Abdullah ibn Abd al-Karim al-Yemeni (1407). *Al-Muqtaṭaf min Tarikh al-Yaman*. Beirut: al-`Asr al-Hadith. **[In Persian]**
- Khazraji, Abi al-Hasan Ali Ansari (1401). *Al-Asjad al-Masbuk fi-man Wali al-Yaman min al-Muluk*. 2nd ed. Damascus: Dar al-Fikr. **[In Persian]**
- Khazraji, Ali ibn Hasan (1430). *Al-'Uqd al-Fakhir al-Hasan fi Tabaqat Akabir Ahl al-Yaman*, vol. 1-3, Sanaa: Maktabat al-Jayl al-Jadid. **[In Persian]**
- Madelung, Wilferd (1375). *Schools and Sects of Islam in the Middle Ages*. Translated by Javad Qasemi. Mashhad: Astan Quds Razavi. **[In Persian]**
- Madelung, Wilferd (1987). *Akhbar al-A'immah al-Zaidiyyah fi Tabaristan wa Daylam wa Gilan (Risalah Yusuf ibn Abi al-Hasan)*. Beirut: Matba'at al-Mutawassit. **[In Persian]**
- Motawakkel, Ahmad bin Sulaiman (1424). *Realities of Knowledge*, Sanaa: Imam Zeid bin Ali Cultural Foundation. **[In Persian]**
- Muʾayyadī, Majd al-Dīn ibn Muḥammad Ḥasanī (1438). *al-Tuḥaf Sharḥ al-Zulf.* Sana'a: Maktabat Ahl al-Bayt. **[In Persian]**

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]

- Mudhni, Zamn bin Shadqam (1426). *The Gift of Flowers and the Purity of Rivers in the Genealogy of the Offspring of the Immaculate Imams*, vol. 1, [Publisher Not Specified]: Al-Turath Al-Maktoub. **[In Persian]**
- Muhallī, Ḥumayd ibn Aḥmad (1423). *Al-Ḥadā'iq al-Wardīyyah fī Manāqib A'immah al-Zaidiyyah*. Edited by Murtada ibn Zayd al-Mahturi al-Hasani. Vol. 2. Sana'a: Maktabat Badr. **[In Persian]**
- Muqḥafī, Ibrāhīm Aḥmad (1985). *Muʿjam al-Mudun wa al-Qabāʾil al-Yamanīyyah*. Vols. 1 & 2. Sana'a: Manšūrāt Dār al-Ḥikmah. **[In Persian]**
- Muṭṭaʿ, Aḥmad ibn Aḥmad (1986). *Tārīkh al-Yaman al-Islāmī*. Edited by ʿAbd Allāh Muḥammad al-Ḥabashī. Beirut: Manšūrāt al-Madīnah. **[In Persian]**
- Qazvini, Zakariyya ibn Muhammad (1373). *Athar al-Bilad wa Akhbar al-Ibad*. Translated by Jahangir Mirza Qajar. Tehran: Amir Kabir. **[In Persian]**
- Rabii, Mufrakh bin Ahmad (1413). *The Biography of the Honorable, Virtuous Princes (Al-Qasim and Muhammad*, Sons of Ja'far, Son of Imam Qasim bin Ali Al-Ayani), edited by Abdulghani Muhammad Abdul-Aati, Beirut: Al-Mu'assasah al-Jami'iyah lil-Dirasat wa al-Nashr wa al-Tawzi'. **[In Persian]**
- Sana'i, Shams al-Din Ja'far ibn Ahmad ibn Abd al-Salam Tamimi Bahloli (1422). *Taysir al-Matālib fi Amālī Abī Ṭālib*. Sana'a: Mu'assasah al-Imam Zayd ibn Ali al-Thaqafiyyah. **[In Persian]**
- Shahari, Ibrahim ibn Qasim ibn Mu'ayyad bi-llah (1421). *Tabaqat al-Zaidiyyah al-Kubra (Bulugh al-Murad ila Ma'rifah al-Asnad),* edited by Abd al-Salam ibn Abbas Wajih, vols. 1, 2, & 3. Sana'a: Mu'assasah al-Imam Zayd ibn Ali al-Thaqafiyyah. **[In Persian]**
- Shami, Ahmad ibn Muhammad (1426). Tarikh al-Yaman al-Fikri fi al-Asr al-Abbasi, vols. 1 & 2. Beirut: Manshurat al-'Asr al-Hadith. **[In Persian]**
- Subhani, Ja'far (1424). *Mu'jam Tabaqat al-Mutakallimin*, vol. 2. Qom: Mu'assasah al-Imam al-Sadiq. **[In Persian]**
- Thaqfi, Sulayman ibn Yahya (2002). *Sirat al-Imam al-Mutawakkil ala Allah Ahmad ibn Sulayman*. Edited by Abd al-Ghani Muhammad Abd al-Ati. [Place of publication not given]: `Ain al-Dira. **[In Persian]**
- Wajih, Abdul Salam (1420). *The Notables of Zaidi Authors*, Oman: Imam Zeid bin Ali Foundation. **[In Persian]**
- Wāsiʿī, ʿAbd al-Wāsiʿ ibn Yaḥyā Yāmānī (1346). *Tārīkh al-Yaman; Farjat al-Humum wa al-Ḥuzn fī Ḥawādith wa Tārīkh al-Yaman*. Cairo: al-Ṭabāʿah al-Salafīyyah. **[In Persian]**
- Zakkar, Suhayl (2007). *Al-Jami' fi Akhbar al-Qaramitah*, vol. 1. Damascus: Al-Takwin. **[In Persian]**
- Zarkali, Khayr al-Din (2002). *Al-A'lam*, vol. 8. Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin. **[In Persian]**
- Zayd, Ali Muhammad (1997). *Tiyarat Mu'tazilah al-Yaman fi al-Qarn al-Sadis al-Hijri*. Sana'a: Al-Markaz al-Faransawi lil-Dirasat al-Yamaniyyah. **[In Persian]**
- Zubarah, Muhammad ibn Muhammad ibn Yahya al-Hasani al-Yemeni al-San'ani (1419). *Khulasat al-Mutun fi Anba' wa Nubala' al-Yaman al-Maymun*, vol. 2. Sana'a: Markaz al-

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/pte.15.59.3]